

Thematic developments in doctoral research in the philosophy of education: A survey of three decades of changes (1990-2010)

Havva. Motamedi Barabadi^{1*}

¹ Assistant Professor, Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: h.motamedi@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Motamedi Barabadi, H. (2026). Thematic developments in doctoral research in the philosophy of education: A survey of three decades of changes (1990-2010). *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 32(1), 147-167.



© 2026 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

The present study aims to inform students and researchers about the current state of thematic issues in doctoral theses in the field of philosophy of education, and has examined the thematic issues of doctoral theses in the field of philosophy of education in the past three decades. This study is applied in terms of its purpose and in terms of the method of data collection in the qualitative research group. In qualitative research, the qualitative content analysis method with inductive approach was used. The software (Max QDA) was used to analyze the data. A statistical sample of 245 copies of doctoral theses in the field of philosophy of education in public universities in the past three decades (1991 to 2010) was examined and analyzed. The whole-number sampling method was used. The analysis of three decades of research on doctoral theses in the field of philosophy of education shows that the Iranian scientific community has moved from focusing on theoretical issues and problems such as educational theories in the 1970s to practical and contemporary issues such as new technologies in the 1990s. It can be said that in these three decades, while maintaining fundamental topics, the movement towards applied and emerging topics continues. This trend indicates an effort to respond to the challenges of technology, educational justice, and indigenous issues, and emphasizes that the Iranian scientific community is moving towards research related to real needs and current issues, but there is a need for strategic planning to better cover various topics.

Keywords: thematic course, doctoral theses, philosophy of education, qualitative content analysis

تحولات موضوعی در پژوهش‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت: بررسی سه دهه تغییرات (۱۳۷۰-۱۳۹۹)

حوا معتمدی برآبادی^۱

۱. استادیار، علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: H.motamedi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

معتمدی برآبادی، حوا. (۱۴۰۵). تحولات موضوعی در پژوهش‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت: بررسی سه دهه تغییرات (۱۳۹۹-۱۳۷۰). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۲(۱)، ۱۶۷-۱۴۷.



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

در پژوهش حاضر با هدف آگاهی‌بخشی به دانشجویان و پژوهشگران از وضعیت موضوعی موجود در رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، به بررسی موضوعی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه گذشته پرداخته شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها در گروه پژوهش کیفی است. در پژوهش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شد. برای نمونه آماری ۲۴۵ نسخه از رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های دولتی در سه دهه گذشته (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹) بررسی و تحلیل و از روش نمونه‌گیری تمام‌شمار استفاده شد. تحلیل سه دهه پژوهش رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که جامعه علمی ایران از تمرکز بر موضوعات و مسائل نظری مانند نظریه‌های تربیتی در دهه ۷۰ به سوی موضوعات کاربردی و معاصر مانند فناوری‌های نوین در دهه ۹۰ حرکت کرده است. می‌توان گفت که در این سه دهه با حفظ موضوعات بنیادی حرکت به سمت موضوعات کاربردی و نوظهور ادامه دارد. این روند نشان‌دهنده تلاش برای پاسخگویی به چالش‌های فناوری، عدالت آموزشی و مسائل بومی است و تأکید بر اینکه جامعه علمی ایران در حال حرکت به سمت پژوهش‌های مرتبط با نیازهای واقعی و مسائل جاری است، اما نیاز به برنامه‌ریزی راهبردی برای پوشش بهتر موضوعات مختلف احساس می‌شود.

کلیدواژگان: سیر موضوعی، رساله‌های دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه

آموزش عالی و دانشگاه‌ها در ایجاد توانایی‌های فکری، ارتقا و ترویج کارهای آموزشی مداوم و انتقال تجارب فرهنگی و علمی انسان‌ها نقش اصلی دارند (Beheshti Moez, 2010). آنها همچنین حوزه نفوذ بسیار گسترده‌ای بر سایر نهادها و بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارند. یکی از وظایف اصلی آموزش عالی، رشد دانشجویان از طریق افزایش دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و توانایی‌های و توانبخشی آنها به‌عنوان یادگیرندگانی پیوسته منتقد و متفکر است. این هدف زمانی محقق خواهد شد که نظام آموزش عالی مبتنی بر پژوهش باشد (Taqvaei Yazdi & Hosseini Tabaqdehi, 2014). از نظر سیمور پژوهش پایه کیفیت خدمات است و بدون تلاش نظام‌مند در انجام دادن پژوهش‌های علمی، بنیان علم فرو می‌ریزد (Unrau & Beck, 2004). دانشگاه‌ها می‌توانند بخش زیادی از مشکلات کشور را با تمرکز بر مسائل و چالش‌های محلی و منطقه‌ای تحلیل، تشریح و آسیب‌شناسی و راهکارهای تخصصی را به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران بخش‌های مختلف ارائه کنند (Khoshnam & Jozi, 2022).

دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور، به‌عنوان نهادهای اجتماعی، در تولید اطلاعات علمی و فنی نقش و سهم عمده‌ای دارند (Godarzi & Sahafi, 2010). کارایی دانشگاه در گرو تعالی و بهبود پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و عملکرد تحقیقات دانشگاهی برای پاسخگویی به مشکلات جامعه است. از زمره دستاوردهای اطلاعاتی با ارزش دانشگاهی در هر رشته، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها هستند. رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها یکی از مؤلفه‌های اصلی آموزش برای تولید علم و توسعه یک رشته است که امروزه، همراه با افزایش آمار تعداد آنها، موضوع کارایی و کارآمدی و نتایج آنها نیز مطرح می‌شود (Zamani & Pouratashi, 2024). از این رو، لازم است ابعاد مختلف این پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها مانند حوزه‌های موضوعی و سهم هر یک از دانشگاه‌ها در تولید پایان‌نامه‌ها شناسایی، بررسی و تحلیل شود تا بر این اساس بتوان درباره کمیّت و کیفیت موضوعاتی که در حال حاضر مد نظر است و نیز نقاط ضعف و کاستی‌ها و نیازهای پژوهشی مربوط به این حوزه را ارزیابی کرد و با برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای مؤثر در عمق بخشیدن به پایان‌نامه‌ها و کاربردی‌تر ساختن آنها گام‌های مؤثرتری برداشت (Nobakht, 2019).

اهمیت تولید علم و توسعه پایدار آن مستلزم عملکرد سنجیده و علمی پژوهشگران بسیاری است که در این راه گام بر می‌دارند (Danivi et al., 2024). بررسی موضوعی پایان‌نامه‌های هر رشته در یک دوره زمانی مشخص، تصویری از فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مورد بررسی را ترسیم می‌کند، چون پایان‌نامه‌ها از منابع اطلاعاتی با ارزش هستند و آگاهی از محتوا و شناسایی گرایش‌های موضوعی آنها ضروری به نظر می‌رسد (Azaranfar, 2006). همچنین بررسی مفاد این منابع اطلاعاتی و بررسی روند موضوعی آنها می‌تواند هر خواننده را تا حدی با طرز فکر، سلیقه و جهت فکری دانشجویان آشنا کند و راهنمایی برای برنامه‌ریزی صحیح در آینده باشد. پژوهش‌های مربوط به هر حوزه باید پوشش مناسبی در خصوص مسائل مختلف آن حوزه داشته باشد. نادیده گرفتن یا فراموشی برخی از موضوعات و توجه صرف به موضوعات خاص ممکن است به از دست رفتن سرمایه پژوهشی یک کشور منجر شود. علوم تربیتی که عهده دار مطالعه و تحقیق در آموزش است، موقعیت خاصی در میان رشته‌های علوم انسانی دارد، زیرا به‌وسیله این علوم مسائل و تنگناهای نظام آموزش و پرورش در تمام مراحل روشن می‌شود و راه حل آنها به‌دست می‌آید (Research Institute of the & University, 2000). علوم تربیتی رشته‌های فراوانی مانند مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی، روانشناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت و... دارد؛ بنابراین، یکی از مجموعه رشته‌های علوم تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت است که از اهمیت خاصی برخوردار است. درواقع، فلسفه تعلیم و تربیت مادر بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است (Sajadi & Noorabadi, 2010).

رشته فلسفه تعلیم و تربیت شاخه‌ای از دانش بشری است که ضمن تبیین ویژگی‌های انسان‌ها، مطالعات علوم تربیتی را هدایت و به نظام‌های آموزشی در تدوین و طرح‌ریزی برنامه‌ها و تنظیم اقدامات اصلاحی کمک می‌کند و راهنمای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی است. این رشته در پی بررسی مبانی نظری و بنیادهایی است که زیربنای تعیین اهداف، برنامه‌ها، محتوا و غیره در نظام آموزش و پرورش باشد. فلسفه تعلیم و تربیت کاربرد آرای فلسفی در مسائل تربیتی است (Ozman & Kravar, 2000). بعد از گذشت چهار دهه از راه‌اندازی دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و تدوین حجمی از رساله‌ها، به نظر می‌رسد که زمان آن رسیده است تا از بعد موضوعی بررسی شود. معرفی کامل همه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع، موجب پرهیز از دوباره‌کاری می‌شود و از سوی دیگر، با ترسیم توانایی‌ها و کاستی‌های این نوع پژوهش‌ها، افق‌های جدیدی به روی پژوهشگران گشوده می‌شود (Sohrabi et al., 2022).

بنابراین، امید است که نتایج این پژوهش بتواند دانشجویان و پژوهشگران را از وضعیت موجود رساله‌های رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی آگاه و آنان را در انتخاب موضوع و درنهایت، بهبود وضعیت رساله‌نویسی یاری کند. همچنین یافته‌های حاصل از این مطالعه می‌تواند تصویری از فعالیت‌های پژوهشی را در این حوزه ترسیم و موضوع‌های قابل توجه، اما نادیده گرفته شده یا کمتر دیده شده را مشخص سازد (Nobakht, 2019). آگاهی از وضعیت موجود از آنچه در حوزه موضوعات علمی و پژوهشی در دانشگاه‌ها می‌گذرد، می‌تواند تصویر روشن‌گرانه‌ای در این زمینه ارائه دهد. علاوه بر این، از تکرار پژوهش‌های پیشین جلوگیری می‌کند و به‌عنوان مرجعی برای مطالعات بعدی ارزشمند است. در این خصوص، ضروری به نظر می‌رسد که رساله‌های دکتری تخصصی رشته‌های علوم انسانی از جمله فلسفه تعلیم و تربیت بازنگری و تحلیل شود تا مشخص شود که چه تعداد تحقیقات و مطالعات برای رفع مشکلات کشور انجام و تا چه اندازه در خصوص بسترسازی و ایجاد زمینه مناسب برای تولید و خلق ایده‌های نو گام برداشته شده است (Maghfouri Farsangi et al., 2011). بنابراین، اهمیت بررسی موضوعی رساله آن است که با استفاده از آنها می‌توان به پژوهش‌های مرتبط به یک حوزه موضوعی دست یافت و از دوباره‌کاری‌ها جلوگیری کرد و این خود باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ها می‌شود. همچنین می‌تواند ابزار مناسبی برای آگاهی از گرایش‌ها و سلیقه‌های شخصی دانشجویان و موضوعات مطرح روز باشد و تغییرات رخ داده در زمینه‌های مختلف را نشان دهد (Ahmadi Gol & Sangari, 2017).

با توجه به اهمیت آگاهی از موضوع رساله‌های سال‌های قبل، در این پژوهش تلاش شد تا بخشی از فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی به تصویر کشیده شود و پژوهشگران از موضوع‌های این تحقیقات آگاه شوند. بدیهی است که این امر زمینه آگاهی از اولویت‌های پژوهشی مهم و به‌روز را در رشته فلسفه تعلیم و تربیت فراهم می‌کند و راه را برای شناسایی وجوه مغفول در این رشته آشکار می‌سازد.

بیان مسئله

پیشرفت علمی هر کشور به پژوهش‌های محققان آن کشور متکی است. هر چه کمیت و کیفیت تحقیقات یک کشور بیشتر باشد، رتبه و درجه علمی آن بالاتر است. پایان‌نامه‌ها نوعی پژوهش علمی ارزشمند محسوب می‌شوند که به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود، در پیشرفت علمی هر جامعه نقش مهمی دارد. اصولاً پایان‌نامه حاصل مطالعه نظام‌مند و اصولی یک موضوع مهم است که به‌وضوح مشکلات را مشخص می‌کند، فرضیه‌های مهم را مطرح می‌سازد، به منابع اطلاعاتی مراجعه می‌کند، اطلاعات به‌دست آمده را تحلیل می‌کند و درنهایت، به یک نتیجه و توصیه می‌رسد (Nobakht, 2019). دانشگاه به‌عنوان نهادی که مسئولیت پژوهش و نوآوری‌های گوناگون را دارد، شناخته می‌شود که می‌تواند زندگی با کیفیت و پایداری برای جامعه فراهم سازد (Zamaniyan et al., 2023).

اهمیت دادن به موضوع پژوهش در سیاستگذاری هر کشور در روند توسعه نقش حساس و اساسی دارد. از جمله پژوهش‌هایی که ما را در رسیدن به این هدف یاری می‌رساند، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری هستند (Tarkashvand, 2015). رساله دکتری عصاره و چکیده فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشجو در دوران تحصیل قلمداد می‌شود. ارزش یک رساله در خلق اندیشه و راه حل سازی آن است (Khaki, 2012). رساله‌ها از منظر اجتماعی می‌توانند بخشی از مسائل و موضوعات مبتلابه جامعه را در ابعاد مختلف حل کنند (Tarkashvand, 2015) و یکی از منابع با ارزش پژوهشگران کشور به‌شمار می‌روند که همه‌ساله مقدار زیادی از امکانات مالی دولت و بخش چشمگیری از نیرو و وقت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها صرف آن می‌شود (Diani, 2000). در دنیا هم برای پایان‌نامه‌ها اهمیت فراوانی قائل‌اند، زیرا سرآغاز یک سلسله پژوهش‌های مفصل‌تر و اساسی‌تر می‌شود (Ahmadi, 2009). شکل‌گیری مسئله در پایان‌نامه‌ها از مقولات عمده این نوع مدارک پژوهشی است (Gorji et al., 2008). موضوع انتخابی پایان‌نامه‌ها معمولاً محدود و تخصصی است و تحقیق درباره آن زمان مشخص و مبتنی بر روش علمی را طلب می‌کند. همین ویژگی است که پایان‌نامه را به منبع اطلاعاتی ارزشمند برای علاقه‌مندان به آن حوزه موضوعی تبدیل می‌سازد (Malaki et al., 2011).

برایم (۱۹۶۷) انتخاب موضوع پژوهشی را اساسی‌ترین گام در انجام دادن یک فعالیت پژوهشی می‌داند. به گمان وی انتخاب موضوع یا اولویت پژوهشی بازگو کننده ظرفیت و توانایی مؤسسه پژوهشی یا فرد پژوهشگر در تشخیص نیازهای پژوهشی است. بررسی مفاد پایان‌نامه‌ها و روند موضوعی آنها می‌تواند هر خواننده را تا حدی با طرز تفکر و جهت فکری دانشجویان آشنا سازد و راهنمایی برای برنامه‌ریزی صحیح در آینده باشد (Gorji et al., 2008). همچنین بررسی موضوعات پایان‌نامه‌ها نشان‌دهنده دامنه مباحث مورد پژوهش دانشجویان آن رشته است و میزان توجه به مباحث مختلف مطرح در آن حوزه را مشخص می‌سازد (Ahmadi, 2009). به‌طور کلی، می‌توان گفت که پایان‌نامه‌ها به‌عنوان منابع علمی از سه نظر حایز اهمیت‌اند:

۱. به‌عنوان منابع اطلاعاتی مورد نیاز پژوهش؛

۲. ارائه نتایج فعالیت‌های علمی و پژوهشی؛

۳. جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها (Firoozabadi et al., 2013).

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحولات موضوعی رساله‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه گذشته، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چه موضوعاتی بیشترین توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و آیا در طول زمان تغییراتی در اولویت‌های موضوعی مشاهده می‌شود؟ نتایج این پژوهش می‌تواند به محققان، سیاستگذاران و سایر ذینفعان در حوزه تعلیم و تربیت کمک کند تا با شناخت بهتر روند تحولات پژوهشی، اولویت‌های پژوهشی را تعیین و به بهبود کیفیت پژوهش‌ها کمک کنند.

اهداف پژوهش

- بررسی تحولات موضوعی رساله‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه گذشته (۱۳۷۰-۱۳۹۹)؛
- بررسی سهم هر یک از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در تولید رساله‌ها در این سه دهه؛
- بررسی توزیع فراوانی گرایش‌های موضوعی در رساله‌ها در این سه دهه.

سوالات پژوهشی

- سهم هر یک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله‌ها چقدر بوده است؟
- موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه گذشته چیست؟
- توزیع فراوانی گرایش‌های موضوعی در رساله‌ها چگونه است؟

سیر تحول رشته فلسفه تعلیم و تربیت

فلسفه تعلیم و تربیت یکی از علوم میان‌رشته‌ای است که با دو قلمرو «فلسفه» و «آموزش و پرورش» مرتبط است و مطالعه آن نیز مستلزم آگاهی قبلی از مبانی و مباحث فلسفه از یک سو و دانش و مبانی تعلیم و تربیت از طرف دیگر است (Neller, 1998). آنچه «فلسفه تعلیم و تربیت» یا «فلسفه و اصول تربیت» نامیده می‌شود، بیشتر جنبه‌ای از فلسفه است که به تعلیم و تربیت در معنای محدود و رسمی آن می‌پردازد؛ بدین معنا که بالاتر از همه معیاری از آموزش سازمان‌یافته است که هدف آن آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی است و بنابراین، سؤالات آن بیشتر درباره برنامه، هدف، روش و مبانی قابل درک آنهاست؛ یعنی اصولی که باید انتخاب شوند (Naqibzadeh, 2010).

فلسفه تعلیم و تربیت یکی از حوزه‌های دانش بشری و رشته‌ای دانشگاهی و حوزه معرفتی نوپایی است که حدود یک قرن از عمر آن سپری می‌شود. این رشته در عین حال، در زمینه ارائه محتوای نظام آموزشی از جمله اهداف یا اصول آموزش و پرورش و... گام‌های مفیدی برداشته است و زیربنای بسیاری از رشته‌های تحصیلی محسوب می‌شود (Sajadi & Noorabadi, 2010). بسیاری از متخصصان و کارشناسان سرآغاز ظهور و پیدایی این رشته را قرن بیستم و به‌طور مشخص، سال ۱۹۳۵؛ یعنی سال تأسیس «انجمن جان دیویی» در امریکا می‌دانند.

تصویر رشته فلسفه تعلیم و تربیت در کشور ایران

با بررسی مقدماتی پیشینه تاریخی تعلیم و تربیت در کشور ایران، می‌توان بیان کرد که فعالیت‌های آموزشی در این کشور مبنای فلسفی مشخصی ندارد و اندیشه‌های دانشمندان مسلمان و سایر اندیشه‌ها در ساختار این تربیت تأثیری پنهان داشته است. تاریخ تعلیم و تربیت رسمی در ایران با تاریخ تأسیس دارالفنون (۱۲۲۸) مقارن است.

دکتر صدیق (اعلم) که از پیشگامان رشته علوم تربیتی در ایران محسوب می‌شود، دانش‌آموخته رشته ریاضی از دانشگاه پاریس و دوره دکترای خود را در رشته فلسفه در دانشگاه کلمبیای آمریکا گذرانده بود. در سال ۱۳۱۳ او توانست رشته علوم تربیتی را با رشته فلسفه پیوند دهد و زمینه را برای گسترش و تکمیل آن در سال‌های بعد فراهم کند. طی این سال‌ها آموزش مطالبی در زمینه‌های اصول تعلیم و تربیت و تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت به اهتمام پیشگامان این رشته در دانشسرای عالی آغاز شد. اولین اثر منتشر شده در این حوزه ترجمه کتاب کم‌حجمی با عنوان «فلسفه تربیت» از «هرمان هارل هورن» است. این اثر را در سال ۱۳۱۶ «احمد آرام» ترجمه کرد. اولین کتاب تألیفی در این زمینه نیز کتاب «فلسفه آموزش و پرورش» تألیف «فتح‌الله امیرهومند» (استاد دانشسرای عالی) در سال ۱۳۲۶ بود. کتاب اثرگذار دیگری که در این سال‌ها تألیف شد، اثر استاد محمدباقر هوشیار با عنوان «اصول آموزش و پرورش» (۱۳۲۷) بود. این استاد بزرگ از پیشگامان این رشته در ایران محسوب می‌شود.

کشور ایران را در دهه ۱۳۲۰ می‌توان از نظر تربیتی به «جان دیویی»^۱، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان تعلیم و تربیت جهان، منسوب کرد. در این دهه آثار زیادی از این فیلسوف که آرا و اندیشه‌هایش در آمریکا رونق بسیاری یافته و آوازه‌اش به تمام جهان رسیده بود، در ایران ترجمه و منتشر شد. کتاب‌های «مدرسه و شاگرد» (۱۳۲۶) و «مدرسه و اجتماع» (۱۳۲۷) توسط آقای مشفق همدانی و کتاب‌های «آموزشگاه‌های فردا» (۱۳۲۸) و «مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی و آموزش و پرورش» (۱۳۲۹) توسط امیرحسین آریان‌پور ترجمه شدند. اندیشه‌های دیویی در سال‌های بعد نیز مد نظر قرار گرفت. اما این بار دیدگاه‌های این فیلسوف تربیتی مدافع و مروج سختکوشی همچون دکتر علی شریعتمداری داشت. دکتر علی شریعتمداری که یکی از پیشگامان این رشته محسوب می‌شود، دانش‌آموخته رشته فلسفه و علوم تربیتی

^۱. J. Dewey

دانشسرای عالی تهران بود و مدرک دکتری خود را از دانشگاه تنسی آمریکا اخذ کرد. او علاوه بر آنکه در دانشگاه‌های مختلف ایران در این رشته به تدریس و تربیت دانشجویان پرداخته، استاد مدعو همین رشته در دانشگاه‌های ایندیانا و تنسی آمریکا نیز بوده است (Shaabani Varki & Mohammadi Abaki, 2008). کتاب‌های «اصول تعلیم و تربیت» (۱۳۴۰)، «فلسفه تعلیم و تربیت» (۱۳۴۸) و «اصول و فلسفه تعلیم و تربیت» (۱۳۶۷) از آثار وی است که در ارتباط مستقیم با فلسفه تعلیم و تربیت هستند. دکتر شریعتمداری در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶ میلادی) در بیست و دومین کنفرانس سالیانه انجمن فلسفه تربیتی آمریکا با ارائه مقاله‌ای با عنوان «یک فلسفه بین‌المللی تربیتی» شرکت کرد و این مقاله در نشریه همان انجمن در همان سال منتشر شده است. از این‌رو، باید از وی به‌عنوان یکی از پیشروان تعامل بین‌المللی فلسفه تعلیم و تربیت ایران یاد کرد.

نهادهای و مراکز آموزش عالی ایران در طی این سال‌ها تغییرات زیادی داشتند. دانشسرای عالی پس از تحولاتی که در آن صورت گرفت، در سال ۱۳۵۲ به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام یافت (Yari Dehnavi, 2012). همچنین دانشگاه تهران نیز که سنگ بنای آن در بهمن‌ماه سال ۱۳۱۳ بر زمین نهاده شده بود، در ابتدا علوم تربیتی را در ذیل دانشکده ادبیات قرار داده بود و استادانی همچون دکتر هوشیار در آنجا تدریس و تحقیق می‌کردند. پس از مدت زیادی، دانشکده علوم تربیتی نیز در سال ۱۳۴۳ به مجموعه دانشکده‌های این دانشگاه اضافه شد و مأموریت تربیت دانشجویان علوم تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد و تحقیق و پژوهش در این حوزه معرفتی بر عهده این دانشکده نهاده شد. بنابراین، با گسترش رشته علوم تربیتی در دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم در سراسر کشور، راه برای گسترش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران فراخ‌تر شد. در این سال‌ها از تعامل نظام آموزشی کشور با فلسفه تعلیم و تربیت و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در این رشته اثر مهمی یافت نشده است. راه‌اندازی دوره‌های تکمیلی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دهه پنجاه آغاز شد. اولین دوره کارشناسی ارشد «تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش» در سال ۱۳۵۲ و اولین دوره دکتری در سال ۱۳۵۳ به همت زنده‌یاد دکتر علیمحمد کاردان در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران راه‌اندازی شد. یک سال بعد (سال ۱۳۵۴) دوره دوم دکتری این رشته نیز راه‌اندازی شد (Shaabani Varki & Mohammadi Abaki, 2008). راه‌اندازی دوره‌های دکتری این رشته که در رشد و توسعه این رشته در کشورمان نقش بسیار مهمی داشته است، به همت زنده‌یاد دکتر علیمحمد کاردان، یکی دیگر از پیشکسوتان این رشته، صورت گرفته است. او در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۸ ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران را برعهده داشت (Ghanbari, 2006).

دکتر غلامحسین شکوهی از دیگر پیشکسوتان عرصه علوم تربیتی، به‌خصوص فلسفه تعلیم و تربیت، در ایران محسوب می‌شود. او نیز دانش‌آموخته دانشسرای عالی تهران (در سال ۱۳۳۵) بود و مدرک دکترای علوم تربیتی خود را در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ میلادی) از دانشگاه ژنو اخذ کرد. وی پس از بازگشت به ایران و حضور در عرصه فعالیت‌های علمی در حوزه علوم تربیتی، به‌عنوان اولین وزیر آموزش و پرورش ایران پس از انقلاب اسلامی نیز انجام وظیفه می‌کرد.

در حال حاضر، اغلب گروه‌های علوم تربیتی در دانشگاه‌های سراسر کشور از اعضای هیئت علمی متخصص در این رشته برخوردارند و تعداد بسیاری از آنها در مقطع کارشناسی ارشد این رشته دانشجوی می‌پذیرند. اولین دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سال ۱۳۵۳ و دوره دوم آن در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه تهران بود و در این دو دوره ۵ نفر دانشجوی دکتری بودند که فقط دو نفر در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ موفق به کسب مدرک دکتری این رشته شدند. دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۳ مجدداً دانشجوی دکتری جذب کرده و تا کنون روند جذب دانشجوی بدون وقفه ادامه داشته است. همچنین گروه‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های تربیت مدرس، خوارزمی، شهید چمران اهواز، اصفهان، شیراز، فردوسی مشهد، علامه طباطبایی، شهید باهنر کرمان و پیام نور مرکز تهران جنوب نیز تا کنون متصدی برگزاری دوره‌های دکتری این رشته بوده‌اند.

رشته فلسفه تعلیم و تربیت در حوزه علوم تربیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. فلسفه تعلیم و تربیت مادر بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به‌شمار می‌رود.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌تواند برای دستیابی به اهداف این پژوهش مفید باشد. علومی (1999, Olomi) در پژوهش خود با عنوان "ارزیابی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های تربیت مدرس" به ارزیابی پایان‌نامه‌های فوق پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش ۱۵۸ پایان‌نامه بود که به لحاظ زمینه موضوعی، انطباق آنها با گرایش‌های چهارگانه در هر یک از گروه‌های کتابداری، نوع روش پژوهش در تهیه پایان‌نامه‌ها، میزان منابع استفاده شده و تازگی آنها و مرتبه علمی راهنمایان و مشاوران بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان داد که انتخاب موضوع غالباً نه بر اساس نیازها یا مسائل و مشکلات کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور، بلکه بر مبنای گرایش‌های ارائه شده در گروه‌ها و سلیقه‌ای بوده است.

رحیمی و رضایی (2008, Rahimi & Rezaee) در پژوهشی تعداد ۱۷۴۷ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای روانشناسی، علوم تربیتی، کتابداری و اطلاع‌رسانی را از سال ۱۳۳۸ تا تابستان ۱۳۸۶، با هدف تحلیل گرایش‌های موضوعی آنها، با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که در خصوص پایان‌نامه‌های تولیدشده در علوم تربیتی در دوره مورد بررسی، بیشترین سهم از آن چهار مقوله "مدیریت"، "آزمون‌ها و مقیاس‌ها"، "برنامه درسی و آموزش" و "فلسفه آموزش و پرورش" با مجموع بیش از ۵۹ درصد کل پایان‌نامه‌های تولیدشده این گرایش بوده و بقیه آن، حدود ۴۱ درصد، میان ۲۹ مقوله موضوعی دیگر توزیع شده است. در خصوص پایان‌نامه‌های تولیدشده در حوزه روانشناسی در دوره مورد بررسی، بیشترین سهم به ترتیب "روانشناسی تربیتی"، "روانشناسی شناختی"، "روانشناسی عمومی" و "روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی" با مجموع بیش از ۵۸ درصد کل پایان‌نامه‌های تولیدشده این گرایش بوده و بقیه آن، یعنی حدود ۴۲ درصد میان ۱۰ مقوله موضوعی دیگر توزیع شده است. در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، حوزه‌هایی مانند "مواد و منابع"، "رکوردهای کتاب‌شناختی"، "کتابخانه و مراکز منابع" و "کنترل کتاب‌شناختی"، در مجموع، بیش از ۵۳ درصد کل پایان‌نامه‌های تولیدشده را به خود اختصاص داده‌اند و بقیه آن حدود ۴۷ درصد میان ۱۳ مقوله موضوعی دیگر توزیع شده است. در تمام رشته‌ها، گرایش پایان‌نامه‌ها بیشتر ناشی از رویکرد نظام رسمی دانشگاهی به مباحث درسی است و حضور موضوعات جدید بسیار کم‌رنگ است.

احمدی (2009, Ahmadi) در پژوهشی میزان همپوشانی عناوین پایان‌نامه‌های رشته برنامه درسی را بر اساس نظریه بوشامپ بررسی کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که پایان‌نامه‌های رشته برنامه درسی در دانشگاه‌های تهران، تمام مباحث مطرح شده در این حوزه را پوشش نمی‌دهند. بیشترین تعداد پایان‌نامه‌ها در حوزه طراحی برنامه درسی و در سطح محتوا انجام پذیرفته است. بسیاری از عناوین پایان‌نامه‌ها تکراری است. برخی از حوزه‌های برنامه درسی از قبیل فضا، زمان و گروه‌بندی دانش‌آموزان مورد غفلت قرار گرفته است. در عین حال، تعدادی از پایان‌نامه‌ها نیز در حوزه‌های غیر تخصصی انجام شده است.

کیانی (2009, Kiani) در زمینه روش‌شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و توصیف روش‌شناختی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت تحقیق انجام دادند. جامعه آماری رساله‌های انجام شده در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت در ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ بودند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که پژوهش رویکرد تحلیلی و رویکرد استنتاجی، رویکردهای قالب و رایج روش‌شناختی در رساله‌های فلسفه تعلیم و تربیت در ایران است. این تحقیق از جنس تحقیقات کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی و استنباطی است.

نیک‌سیرت و بدری (Niksirt & Badri, 2012) مقاله‌ای با عنوان «بررسی ارتباط میان تحقیقات علمی و نیازهای جامعه روستایی ایران با تأکید بر پایان‌نامه رساله‌های دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی» نوشته‌اند. پژوهش آنان از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی است که با ترکیب دو شیوه اسنادی و پیمایشی انجام شده است که از نظر هدف یک تحقیق اکتشافی است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان (۱۶۱ نفر) و اعضای هیئت علمی (۲۰ نفر) رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس را شامل می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، به وجود داشتن ارتباط زیاد موضوعات تحقیق با نیازهای جامعه روستایی معتقد بودند، ولی نتایج بررسی مهم‌ترین عامل در انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله نشان داد که دانشجویان هنگام انتخاب موضوع کمتر به نیازهای جامعه روستایی توجه داشتند. بیشترین عوامل مؤثر در انتخاب موضوع پایان‌نامه، محیط دانشگاه و استادان، ویژگی‌های شخصی دانشجو، زمان و سهولت اجرای تحقیق، ارتباط با سازمان‌های متولی روستایی، تعلق مکانی و مؤلفه‌هایی مثل محل زندگی بودند و عامل توجه به نیازهای روستایی در هیچ‌یک از عوامل نبود.

خسروی و همکاران (Khosravi et al., 2015) درباره آسیب‌شناسی ناهمخوانی موضوعات پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی با نیازهای جامعه بررسی کردند که به روش پژوهش توصیفی پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر حدود ۵۰ هیئت علمی در دانشگاه‌های اصفهان، آزاد اسلامی خوراسگان و پیام نور اصفهان بود که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تدریس بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری سرشماری کامل به دلیل محدودیت تعداد اعضای هیئت علمی استفاده شده است و تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته با ۲۱ سؤال بسته‌پاسخ بود. نتایج نشان داد که از نظر اعضای هیئت علمی موانع دانشجویی و دانشگاهی در ایجاد همخوانی بین موضوعات پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد با نیازهای جامعه وجود دارد.

پاپزاده و همکاران (Papazadeh et al., 2015) پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران از نظر کاربست مؤلفه‌های تفکر انتقادی پیترو فسیونه» انجام دادند. هدف این پژوهش تحلیل محتوای کمی و کیفی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش و رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر میزان کاربرد مؤلفه‌های تفکر انتقادی فسیونه و تبیین نحوه به‌کارگیری آن مؤلفه‌ها در این پایان‌نامه‌ها بود. نتایج تحلیل محتوای کیفی نیز نشان داد که در عین آنکه کوشیده شده است تا مهارت‌های نقادانه در پژوهش‌ها رعایت شود، اما این کاربست با توجه به مهارت‌های مد نظر فسیونه، به نحو مطلوب انجام نشده است.

ترکاشوند (Tarkashvand, 2015) پایان‌نامه ارشد خود را با عنوان «آسیب‌شناسی رساله‌های دکتری رشته مدیریت آموزشی» به رشته تحریر درآورد. جامعه پژوهش کلیه رساله‌های دکتری رشته مدیریت آموزشی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های شهرستان تهران بعد از تأسیس دکترای مدیریت آموزشی بودند. این پژوهش با روش کیفی و روش تحلیل محتوا انجام و برای تحلیل آن از روش تحلیل موضوعی یا شماتیک استفاده شد. نویسنده در این پژوهش به دنبال آن بود که بداند: آیا عناوین و موضوعات رساله‌های دکتری مدیریت آموزشی پاسخگوی نیازهای کشور است؟ روش‌های پژوهشی به کار رفته در رساله‌ها چگونه است؟ پاسخ به سؤال اول با توجه به دسته‌بندی از تم‌های به‌دست آمده از عناوین رساله‌های مدیریت آموزشی نشان از فقر موضوعی در انتخاب عناوین و همپوشانی آنها با موضوعات بررسی شده در رساله‌های پیشین است که از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت رساله‌های مدیریت آموزشی پوشش موضوعی متناسبی ندارند. بیشترین سهم پژوهش‌ها به آموزش عالی و سازمان‌های خدماتی و صنعتی اختصاص یافته و سهم کمی به پژوهش‌های آموزش و پرورش پرداخته است و در پاسخ به سؤال دوم نشان می‌دهد که روش‌های پژوهشی رساله‌های مدیریت آموزشی مبتنی بر پژوهش‌های کمی و آمیخته است و سهم کمتری به پژوهش‌های کیفی اختصاص یافته است.

خسروی و همکاران (Khosravi et al., 2015) پژوهشی با عنوان "شناسایی موانع ایجاد همخوانی بین موضوعات پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی با نیازهای جامعه از نظر دانشجویان" انجام دادند. روش تحقیق به شیوه توصیفی با رویکرد پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی در دانشگاه‌های اصفهان، آزاد اسلامی خوراسگان و پیام نور اصفهان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بودند که از میان آنها با استفاده از جدول کرجسی-مورگان نمونه‌ای ۲۱۷ نفری به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با ۲۴ سؤال بسته پاسخ بود. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. نتیجه این پژوهش نشان داد که از نظر دانشجویان موانع اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سازمانی در ایجاد همخوانی بین موضوعات پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد با نیازهای جامعه مؤثرند.

احمدی گل و سنگری (Ahmadi Gol & Sangari, 2017) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی موضوعی و روش‌شناسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی»، نشان دادند که تنوع موضوعی بسیار گسترده است؛ پژوهش‌ها به قلمرو جدید تکنولوژی آموزشی کمتر توجه داشته‌اند و بیشتر به برداشت سنتی از این رشته توجه شده است. بیشتر پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های کمی با ۹۶/۴۶ درصد انجام شده و روش‌های کیفی با ۳/۵۴ درصد مورد غفلت و کم‌وجهی این متخصصان قرار گرفته است.

سرلک (Sarлак, 2018) به شناسایی و دسته‌بندی موضوعات رساله‌های دکتری دانشگاه‌های دولتی کشور در رشته مدیریت دولتی در طی دوره ۹۶-۱۳۹۰ بر مبنای مدل سه شاخگی پرداخت. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نوع کیفی و روش توصیفی بود. تعداد ۲۷۹ رساله دکتری دفاع شده بین سال‌های ۹۶-۱۳۹۰ در ۶ دانشگاه دولتی داخل کشور در سه شاخه رفتار (محتوا)، ساختار و زمینه‌ای (محیطی) بررسی شد. نتایج به دست آمده از مقاله‌ها بر اساس معیارهایی از قبیل موضوع پژوهش، روش و ابزار گردآوری داده‌ها و روش تحلیل داده‌ها در این مقاله بررسی شدند. نتایج نشان داد که ۲۶ درصد پژوهش‌ها از نوع ساختاری، ۳۴ درصد از نوع رفتاری و ۱۲ درصد از نوع محیطی، ۲۴ درصد ترکیبی و ۴ درصد در قالب مدل سه شاخگی نمی‌گنجد. همچنین در پژوهش‌های بررسی شده، ۸۶ درصد عناوین به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش ترکیبی کیفی و پرسشنامه‌ای استفاده شده و یک درصد صرفاً روش کیفی و مابقی روش کمی بوده است و لذا، شکاف عمیقی بین نتایج به دست آمده رساله‌های دکتری و نبود یک دکترین و نظریه حاصل از پژوهش وجود دارد.

مغفوری فرسنگی و همکاران (Maghfouri Farsangi et al., 2011) در بررسی بومی‌گرایی در رساله‌های دکتری فلسفه تعلیم تربیت بیان کرده‌اند که پژوهش آنها با هدف شناسایی چپستی فلسفه تعلیم و تربیت بومی، شناسایی و اعتباربخشی شاخص‌های بومی‌سازی این رشته در ایران و نیز بررسی وضعیت رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی انجام شد. در این پژوهش تمام رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ (۱۶ رساله) از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی، با روش توصیفی-تحلیلی ارزیابی شدند تا مشخص شود پژوهش‌هایی که در این حیطه صورت می‌گیرند، تا چه میزان در راستای بومی‌سازی و پاسخ به نیازهای کشور هستند. بدین منظور، ابتدا با روش نظریه بنیادی شاخص‌های مدنظر (۹ شاخص) شناسایی و سپس با روش دلفی اعتبارسنجی شدند. در نهایت، رساله‌ها با توجه به شاخص‌های مذکور تحلیل شدند. از میان تمام شاخص‌ها فقط پنج مورد به طور کامل رعایت شده‌اند که شامل بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان، برآوردن نیازها، نظرورزی عالمانه، نوآورانه بودن و مستدل بودن هستند. شاخص انتقادی بودن هم تا حد زیادی رعایت شده است. به علاوه، معلوم شد که در رساله‌های مذکور به سه شاخص بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی-اسلامی، بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی و اصلاح منابع معرفتی توجه چندانی نشده است. از کل رساله‌های بررسی شده، فقط ۳۱/۲۵ درصد از رساله‌ها به طور کامل در خصوص بومی‌سازی این رشته بوده‌اند و در بقیه رساله‌ها به مسئله بومی‌سازی و رفع نیازهای بومی کشور توجه چندانی نشده است. به علاوه، آن‌گونه که باید، به مسئله

بومی‌سازی در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در قالب رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های دولتی تهران توجه نشده است. این امر علاوه بر از بین بردن سرمایه‌های ارزشمند انسانی و مالی، مانع بزرگی برای دستیابی به هدف والای بومی‌سازی علوم تربیتی خواهد بود. به نظر می‌رسد که رفع این مانع می‌تواند مسیر دستیابی به هدف بومی‌سازی علوم انسانی را هموارتر سازد.

سهرابی و همکاران (Sohrabi et al., 2022) در پژوهشی با عنوان «کاوشی بر رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز: تحلیل موضوعی و روش شناختی»، رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز را از ابتدای راه‌اندازی رشته تا سال ۱۳۹۹ (۲۹ رساله) بررسی کردند. این رساله‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای قیاسی و استقرایی تحلیل و بررسی شدند. نتایج نشان داد که رساله‌های دانشگاه شیراز در ۱۱ گرایش موضوعی انجام و در این میان به تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت رسمی ایران و جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت بیش از سایر موضوعات توجه شده است. رویکرد استنتاجی، رویکرد غالب رساله‌ها بوده و از میان ۱۴ روش پژوهش استخراج شده، تحلیل محتوا سهم بیشتری را داشته است؛ همچنین رساله‌ها در دهه ۹۰ نسبت به دهه ۸۰، از نظر تنوع موضوعها، روش‌های پژوهش و توجه به چالش‌ها و مسائل روز تعلیم و تربیت ایران تغییرات مثبتی داشته‌اند.

تقوایی یزدی و حسینی طبقدهی (Taqvaei Yazdi & Hosseini Tabaqdehi, 2014) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کمی و کیفی رساله‌های دکتری آموزش و پرورش (مدیریت آموزشی) استان مازندران، نشان دادند که چکیده، بیان مسئله، اهداف پژوهش، سؤال‌ها یا فرضیه‌های تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، تعاریف، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری در وضعیت نسبتاً مطلوب و بخش‌های عنوان، کلیدواژگان، مقدمه، جامعه، نمونه و نمونه‌گیری، منابع، پیوست‌ها و اصول نگارش صحیح در وضعیت مطلوب قرار گرفته‌اند.

رنجبری صوفیان و همکاران (Ranjbari Soufian et al., 2023) پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای موضوعی و روش‌شناختی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی دانشگاه تبریز در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۶» انجام دادند. پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش، تحلیل محتوا بود. به‌منظور تحلیل محتوای پایان‌نامه‌ها، از میان ۴۰۵ پایان‌نامه رشته علوم تربیتی که در زمان اجرای پژوهش در کتابخانه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی موجود بودند، ۱۹۵ پایان‌نامه به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که تعیین اولویت‌های پژوهشی در هر یک از گرایش‌های رشته علوم تربیتی در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز آموزش روش‌های متنوع پژوهش در غنا بخشیدن به پایان‌نامه‌های این رشته ضروری است.

آیهان (Ayhn, 2011) پژوهشی با عنوان «ارزیابی پایان‌نامه‌های دکتری مدیریت آموزشی» در داخل و خارج از کشور ترکیه انجام داد. این ارزیابی درباره موضوعات پایان‌نامه‌ها، روش تحقیق به‌کار رفته در پایان‌نامه‌ها و نتایج حاصل از آن پایان‌نامه‌هاست. نتایج تحقیق نشان داد که شباهتی میان موضوعات مورد بررسی پایان‌نامه‌ها در داخل و خارج از این کشور وجود دارد، اما موضوعات از گسترده و عمیق نیستند. کاربرد روش تحقیق کمی در کشور ترکیه ترجیح داده می‌شود، در حالی که روش‌های تحقیق کیفی در خارج از کشور از اقبال بیشتری برخوردار است. دشوار است که بگوییم نتایج مطالعات تحقیقاتی مورد بحث دانش علمی یا از دیدگاه فلسفی ارائه داده‌اند.

دیرلیکلی و همکاران (Dirlikli et al., 2016) به تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های مربوط به یادگیری مشارکتی در کشور ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۳ پرداختند. به‌طورکلی، ۲۲۰ پایان‌نامه که از طریق آنلاین (دسترسی آزاد) در سایت شورای آموزش عالی موجود بود، تحلیل شدند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که پایان‌نامه‌های با موضوع یادگیری مشارکتی از سال ۲۰۰۵ که برنامه درسی تغییر یافته، افزایش داشته است. همچنین در پایان‌نامه‌ها بیشتر از روش کمی استفاده شده و اثر این روش یادگیری در موفقیت تحصیلی مطالعه شده است.

ژانگ و همکاران (Zhang et al., 2016) در پژوهشی با عنوان "بررسی روش‌های آماری استفاده شده در شش مجله کتابداری و اطلاع-رسانی"، نشان دادند که استفاده از روش‌های آماری رو به رشد است و همچنین در مجله انجمن علم اطلاعات و تکنولوژی^۱ و مجله پردازش و مدیریت اطلاعات بیشتر از روش‌های آماری آزمون تی، آزمون تحلیل واریانس و آزمون ایکس استفاده شده است.

دوراک و همکاران (Durak & et al., 2017) در پژوهشی به تحلیل محتوایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در زمینه آموزش از راه دور در آموزش عالی بین سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۶ در کشور ترکیه پرداختند. در مجموع، ۲۸۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد برای تعیین کلیدواژگان، مقررات دانشگاه، منطقه مورد پژوهش، چهارچوب نظری، روش‌ها و طرح‌های پژوهشی، تحلیل آماری، ابزار گردآوری داده‌ها، شرکت‌کنندگان، ساختار روش‌های آموزشی، متغیرها و مؤسسات وابسته بررسی شدند. نتایج پژوهش، گرایش‌های موضوعی یادگیری از راه دور را در ترکیه آشکار کرد و ارتباط بین گرایش‌های پژوهشی را نشان داد.

با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل محتوایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، در رشته‌های مختلف مانند کتابداری، جغرافیا، مدیریت دولتی، مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، تکنولوژی آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت به این موضوع پرداخته شده است. به‌طور کلی، تحقیقات انجام شده در زمینه گرایش‌های موضوعی و روش‌شناختی در دانشگاه‌های محدود انجام شده است. در پژوهش حاضر گرایش‌های موضوعی رساله‌های دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی، که این رشته در آنها دایر است، بررسی شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها کیفی بود. برای بررسی موضوعات رساله‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شد. این روش به دلیل توانایی آن در شناسایی الگوها و دسته‌بندی‌های اصلی در متون بزرگ و همچنین انعطاف‌پذیری آن در تجزیه و تحلیل داده‌های پیچیده انتخاب شد. برخلاف روش‌های کمی، این رویکرد امکان کاوش عمیق‌تر معانی و مفاهیم را فراهم می‌کند و در موقعیت‌هایی که اطلاعات قبلی کافی وجود ندارد، بسیار مؤثر است.

روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیقی است که از گذشته‌های نسبتاً دور استفاده می‌شده است و در علوم اجتماعی و فراتر از آن نیز استفاده می‌شود (Tabrizi, 2014). این روش، روشی ارزشمند برای تجزیه و تحلیل حجم عظیمی از داده‌های متنی در زمینه‌ای خاص است. هدف از این روش، شناسایی مهم‌ترین طبقات و مقولات در یک متن و کشف واقعیت اجتماعی نهفته در آن است (Momeni Rada et al., 2013). تحلیل محتوای استقرایی زمانی به کار می‌رود که پژوهشگر قصد دارد در یک حوزه جدید به درک عمیق‌تری برسد. در این روش هدف اصلی ارائه نظریه نیست، بلکه تمرکز بر استخراج مقوله‌ها از طریق کدگذاری باز است.

برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش از روش مطالعه و فیش‌برداری نظام‌مند از رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت استفاده شد. با استفاده از این ابزار ۲۴۵ رساله مطالعه و بر اساس بیان مسئله، اهداف، سؤالات و یافته‌های پژوهشی هر رساله، تحلیل شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی در سه دهه گذشته (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹) بودند. در پژوهش حاضر از همه رساله‌های در دسترس استفاده شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و شامل تمام رساله‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی کشور بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ بود. برای دسترسی به رساله‌های دکتری، با مراجعه به سایت ایرانداک و مکاتبه با کتابخانه مرکزی دانشگاه‌های دولتی، فایل رساله‌های دکتری در دسترس قرار گرفت. دانشگاه‌هایی که رشته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت در آنها دایر بود عبارت بودند از: دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه الزهراء،

¹. Journal of Association for Information Science and Technology

دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، دانشگاه شاهد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشگاه اصفهان و دانشگاه شیراز.

جدول ۱

تعداد رساله‌ها در سه دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰

دهه	تعداد رساله
دهه ۷۰	۱۷
دهه ۸۰	۶۳
دهه ۹۰	۱۶۵

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ یعنی فرایند تنظیم، تدوین، تلخیص و طبقه‌بندی و بیان مفهوم یا معنای گسترده‌ای از داده‌های گردآوری شده که با کاهش آنها با بخش‌های قابل کنترل سر و کار دارد. تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی به صورت خطی انجام نمی‌شود، زیرا در بیشتر رویکردهای کیفی، فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان و در تعامل با یکدیگر پیش می‌روند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی از همان ابتدا با گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود و این کار متضمن جست‌وجوی مداوم مقوله‌ها و الگوهای موجود در داده‌هایی است که کمک خواهد کرد به شواهد خود معنا ببخشد (Hooman, 2013).

برای تحلیل پاسخ سؤال پژوهش از نرم‌افزار مکس کیو دی ای (MAXQDA) استفاده شد، زیرا این نرم‌افزار امکان سازماندهی، کدگذاری و شناسایی الگوهای پنهان در متون پژوهشی را فراهم می‌کند. محقق با استفاده از این نرم‌افزار به کدگذاری باز و مقوله‌بندی موضوعات بر اساس هدف، سؤالات و نتایج رساله‌ها پرداخت. ابتدا کدگذاری باز برای استخراج مقوله‌های اولیه انجام شد. سپس مقوله‌های مشابه در دسته‌های کلی‌تر (کدگذاری محوری) طبقه‌بندی شدند. در نهایت، الگوهای موضوعی اصلی و روابط بین آنها شناسایی، استخراج و تحلیل شدند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، کدگذاری را دو پژوهشگر مستقل انجام دادند و مقایسه نتایج برای کاهش سوگیری صورت گرفت.

یافته‌ها

سهم هر یک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله‌ها

در جداول ۲ تا ۴ و نمودارهای ۱ تا ۳ سهم هر یک از دانشگاه‌ها به تفکیک دهه بیان شده است. شایان ذکر است در دهه ۷۰، از دانشگاه‌های علامه طباطبائی، پیام نور، الزهرا، شهید چمران اهواز، فردوسی مشهد، اصفهان، شیراز، باهنر کرمان و شاهد هیچ رساله‌ای ثبت نشده است.

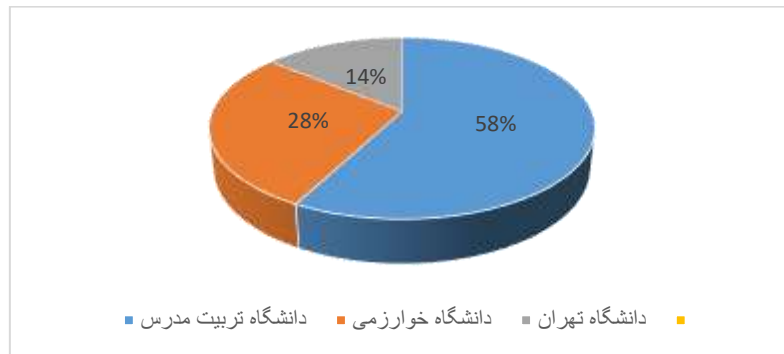
جدول ۲

سهم هر یک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۷۰

دانشگاه	تعداد رساله	درصد
تربیت مدرس	۱۱	۵۸
تهران	۲	۱۴
خوارزمی	۴	۲۸

شکل ۱

سهم هریک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۷۰



در دهه هفتاد دانشگاه تربیت مدرس با ۵۸ درصد بیشترین رساله را به خود اختصاص داده است و بعد از آن دانشگاه خوارزمی، دانشگاه تهران با دو رساله رتبه سوم را دارد. البته در این دهه رشته فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان رشته‌ای جدید ظهور می‌کند.

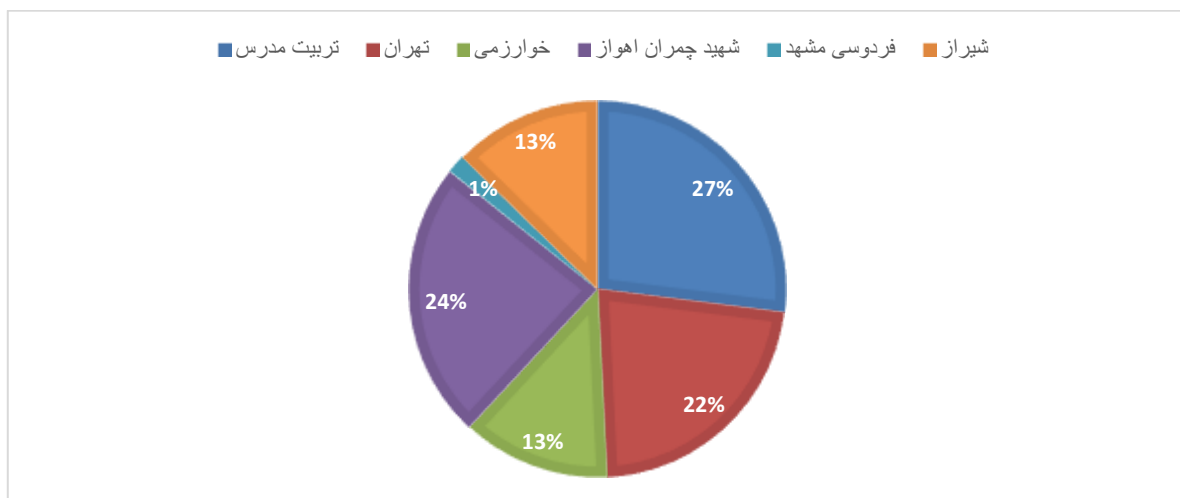
جدول ۳

سهم هریک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۸۰

دانشگاه	تعداد رساله	درصد
تربیت مدرس	۱۷	۲۷
تهران	۱۴	۲۲
خوارزمی	۸	۱۳
شهید چمران اهواز	۱۵	۲۴
فردوسی مشهد	۱	۱
شیراز	۸	۱۳

شکل ۲

سهم هریک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۸۰



در دهه ۸۰ رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های بیشتری گسترش یافته است.

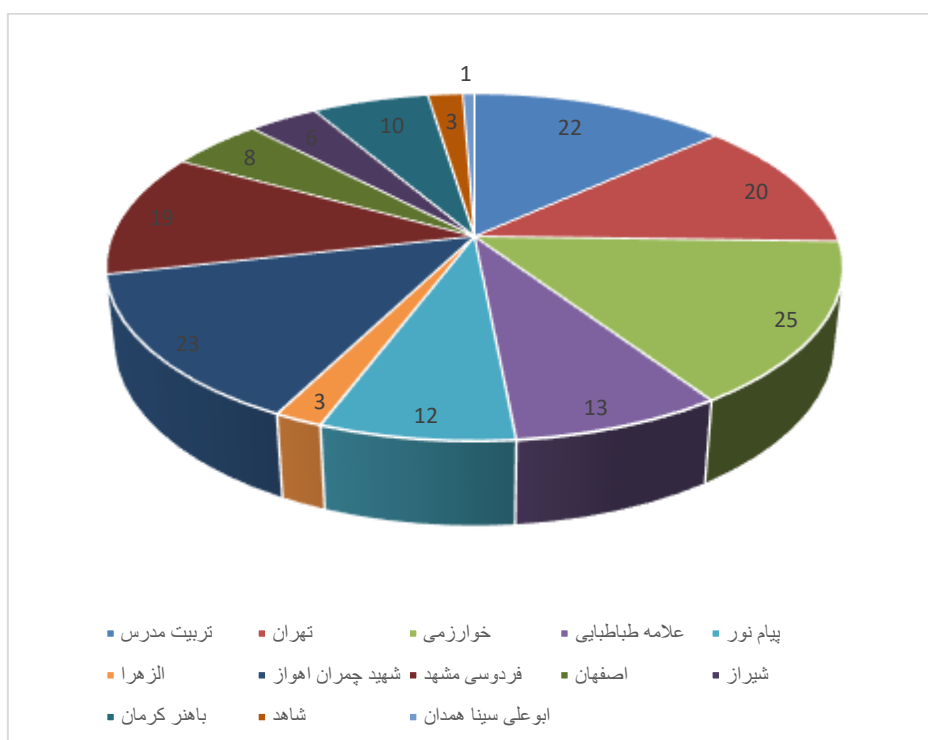
جدول ۴

سهم هریک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۹۰

دانشگاه	تعداد رساله	درصد
تربیت مدرس	۲۲	۱۳
تهران	۲۰	۱۲
خوارزمی	۲۵	۱۵
علامه طباطبایی	۱۳	۸
پیام نور	۱۲	۷
الزهرا	۳	۲
شهید چمران اهواز	۲۳	۱۴
فردوسی مشهد	۱۹	۱۲
اصفهان	۸	۵
شیراز	۶	۴
باهنر کرمان	۱۰	۶
شاهد	۳	۲
ابوعلی سینا همدان	۱	۱

شکل ۳

سهم هریک از دانشگاه‌های دولتی در تولید رساله در دهه ۹۰



در دهه ۹۰ رشته فلسفه تعلیم و تربیت رشد چشمگیری داشته و گستردگی این رشته در شهرهای مختلف نشان داده شده است.

موضوعات رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه

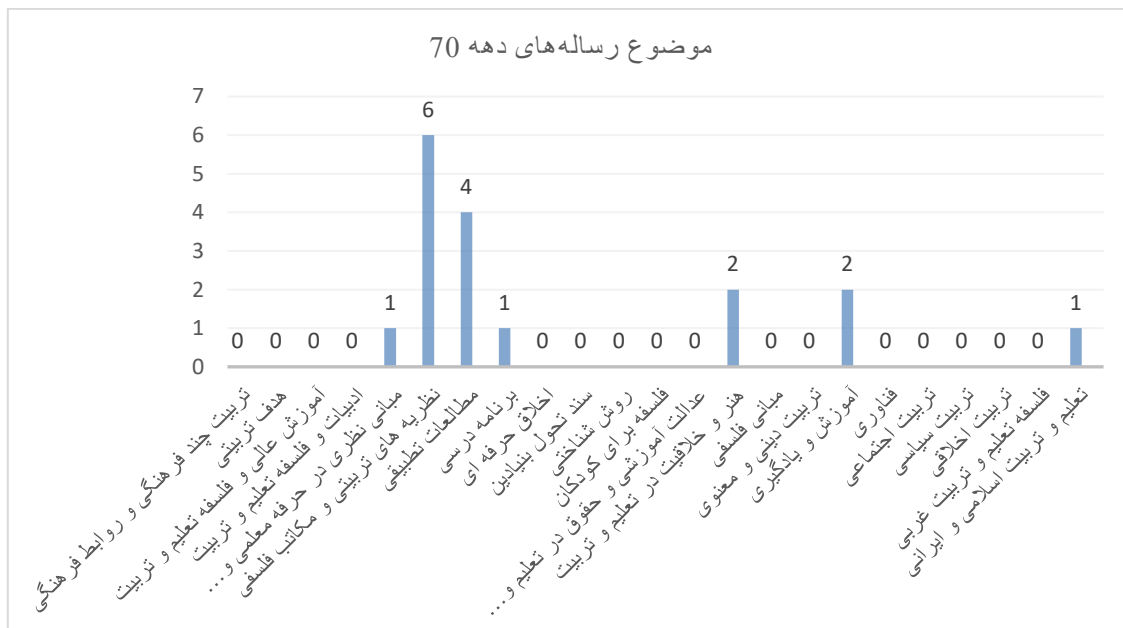
برای پاسخگویی به سؤال دوم، با توجه به بررسی اهداف، سؤالات و نتایج به‌دست آمده در رساله‌های رشته فلسفه تعلیم و تربیت، آنها در موضوعات مختلف طبقه‌بندی شدند. یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های سه دهه به‌دست آمده است. در نمودارهای ۴ تا ۶ به تفکیک موضوعات و روندهای زمانی هر یک از سه دهه به همراه تغییرات کمی و کیفی موضوعات ارائه شده است.

موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دهه ۷۰

رساله‌های دکتری که در دهه ۷۰ در رشته فلسفه تعلیم و تربیت به رشته تحریر درآمدند، هفده رساله است. برای دسته‌بندی و تحلیل موضوعات این رساله‌ها، بر اساس محورهای اصلی و حوزه‌های تخصصی که هر یک از رساله‌ها به آن پرداخته‌اند، موضوعات در چندین دسته کلیدی تقسیم‌بندی شدند. با توجه به نمودار ۴، در این دهه تمرکز اصلی رساله‌های دکتری بر موضوعات نظری مانند نظریه‌های تربیتی و مکاتب فلسفی بود. تعداد کم این رساله‌ها ناشی از نوپا بودن رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کشور و محدودیت امکانات پژوهشی بوده است.

شکل ۴

موضوع رساله‌های دکتری در دهه ۷۰

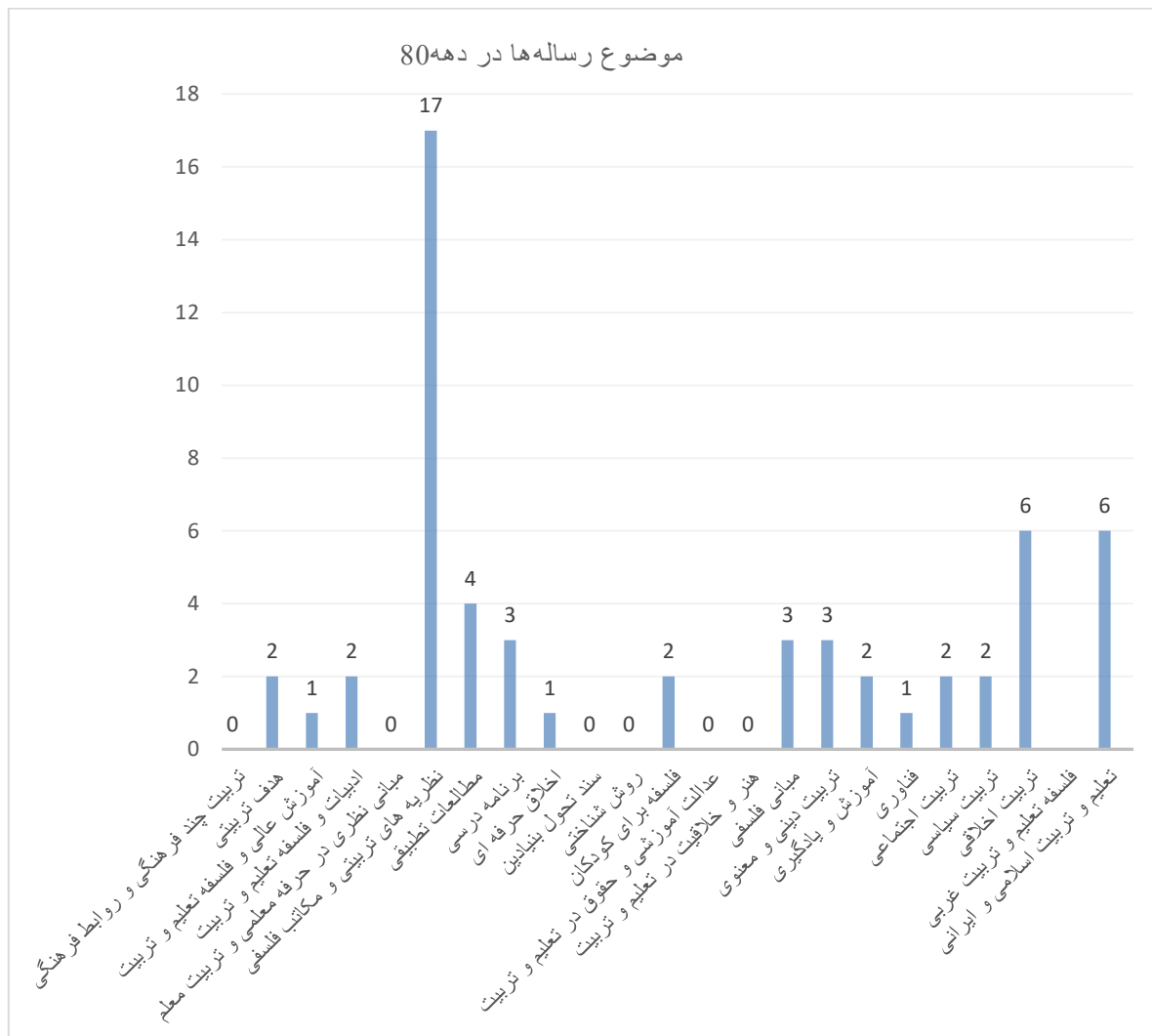


موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دهه ۸۰

در دهه ۸۰، موضوعات رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت موجود، ۶۳ رساله بود. برای دسته‌بندی و تحلیل این موضوعات، بر اساس ویژگی‌های مشترک و حوزه‌های تخصصی آنها، رساله‌ها دسته‌بندی شدند. در دهه ۸۰ تنوع موضوعات رساله‌ها افزایش یافته و به موضوعاتی مانند ادبیات و فلسفه تعلیم و تربیت و فلسفه برای کودکان، برای اولین بار توجه شده است. البته، موضوعات نظری مانند نظریه‌های تربیتی و مکاتب فلسفی همچنان مد نظر بودند و بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها را شامل می‌شدند.

شکل ۵

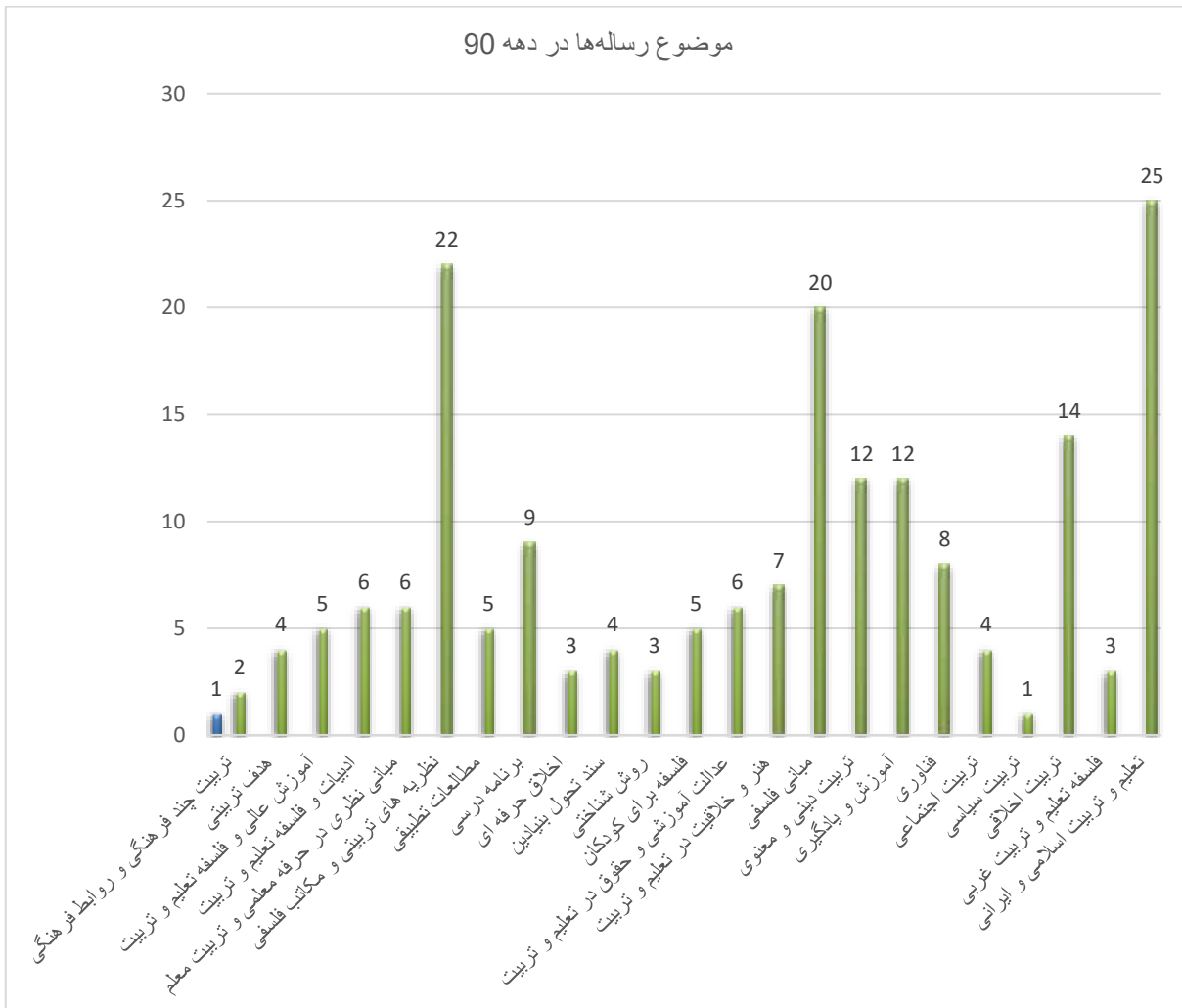
موضوع رساله‌های دکتری در دهه ۸۰



موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دهه ۹۰

در دهه ۹۰ تنوع بیشتری در موضوعات رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت صورت گرفت. ورود موضوعات جدید مانند تحول سند بنیادین و فناوری و عدالت آموزشی و... نشان می‌دهد که پژوهش‌های تربیتی به سمت گسترش و پیشرفت در حوزه‌های تخصصی و بین رشته‌ای حرکت کرده‌اند. این رشد، بازتاب پاسخ جامعه علمی به تغییرات فناوری و اجتماعی است. البته، موضوعاتی مانند مبانی فلسفی، نظریه‌های تربیتی و مکاتب تربیتی همچنان جایگاه مهمی دارند و رشد چشمگیری داشته‌اند.

گسترش موضوعاتی مانند تعلیم و تربیت اسلامی و ایرانی و همچنین تربیت دینی و معنوی نشان‌دهنده اهمیت بازنگری در ارزش‌های بومی و دینی در آموزش است. در دهه ۹۰ موضوع رساله‌ها بیشتر در مسائل کاربردی مانند برنامه درسی، آموزش و یادگیری و فناوری متمرکز شده‌اند. این تغییرات بازتاب نیاز جامعه به حل مشکلات عملی و تطبیق نظام آموزشی با نیازهای روز است.



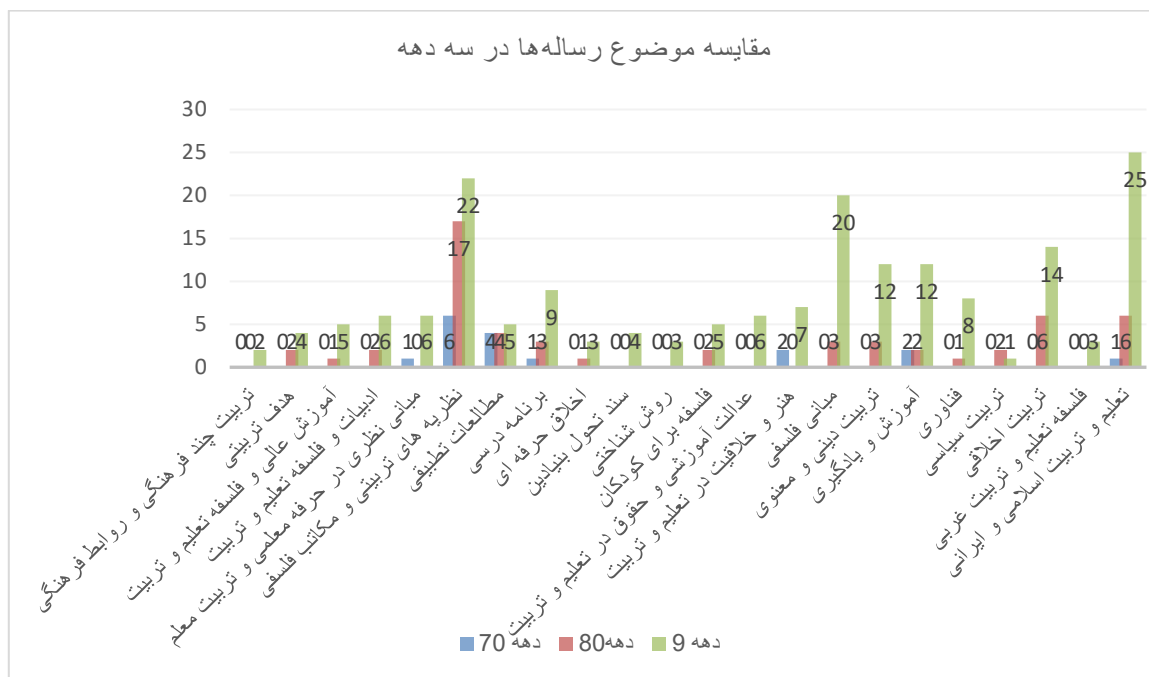
مقایسه موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه گذشته

مقایسه کلی موضوع رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در سه دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰، نشان می‌دهد که برخی از حوزه‌های موضوعی مانند نظریه‌های تربیتی و مکتب فلسفی، تعلیم و تربیت اسلامی و ایرانی و مبانی فلسفی با رشد پایدار و مستمر و افزایش تدریجی همراه بوده و گویای آن است که مسائل فلسفی همچنان جایگاه محوری در پژوهش‌های تربیتی دارند. این روند نشان‌دهنده علاقه جامعه علمی به تعمیق مفاهیم نظری و استفاده از آنها در تبیین مسائل آموزشی است.

گسترش موضوعاتی مانند فناوری آموزشی و عدالت آموزشی در دهه ۹۰ را می‌توان به عوامل متعددی مانند توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تأکید سیاستگذاران بر دسترسی عادلانه به آموزش و تغییر رویکرد جهانی به یادگیری الکترونیکی مرتبط دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که درباره موضوعاتی مانند تربیت چندفرهنگی و اخلاق حرفه‌ای کمتر پژوهش شده است. یکی از دلایل احتمالی این امر کمبود منابع بومی و روش‌شناسی‌های مناسب برای مطالعه این حوزه‌ها در نظام آموزشی ایران است. همچنین سیاست‌های پژوهشی بر موضوعات داخلی و سنتی‌تر متمرکز است.

شکل ۷

مقایسه موضوع رساله‌های دکتری در سه دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰



نتیجه‌گیری

تحلیل سه دهه پژوهش رساله‌های دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که جامعه علمی ایران در این حوزه به‌طور چشمگیر تغییر جهت داده است. در دهه ۷۰ تمرکز پژوهش‌ها عمدتاً بر مسائل نظری و مفهومی مانند نظریه‌های تربیتی و مکاتب فلسفی بود. با گذشت زمان و ورود به دهه ۸۰ و ۹۰، شاهد تحولی بزرگ بودیم که توجه بیشتری به مسائل کاربردی و معاصر معطوف شد. در این دهه‌ها موضوعاتی نظیر عدالت آموزشی، فناوری‌های نوین و مسائل بومی از جمله مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت قرار گرفت. این روند نشان‌دهنده تلاش برای پاسخگویی به چالش‌های نوظهور و تحولات اجتماعی است و به‌طور ویژه، نشان‌دهنده افزایش به تمایل جامعه علمی ایران به پژوهش‌های مرتبط با نیازهای واقعی و مسائل جاری است.

اگر چه روند تغییرات در جهت به‌روز شدن و انطباق با نیازهای روز جامعه مثبت ارزیابی می‌شود، با این حال همچنان به برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه پژوهش نیاز احساس می‌شود. به‌ویژه برخی از حوزه‌ها نظیر تربیت چندفرهنگی، اخلاق حرفه‌ای و مطالعات تطبیقی با وجود اهمیت بسیار، در طی این سه دهه توجه کمتری به آنها شده است. این مسئله ممکن است ناشی از نبود منابع کافی، چالش‌های اجرایی یا پیچیدگی‌های روش‌شناختی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای باشد.

پیشنهادها

پیشنهادهای کلی برای انتخاب موضوع رساله‌های دکتری به قرار زیر است:

- ایجاد تعادل میان پژوهش‌های نظری و کاربردی؛
- گسترش تحقیق در حوزه‌های کمتر توسعه‌یافته مانند تربیت چندفرهنگی و مطالعات تطبیقی؛

- تقویت پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به‌ویژه در حوزه فناوری و عدالت آموزشی؛
- تمرکز بر مسائل بومی و جهانی از طریق بررسی تطبیقی مدل‌های آموزشی؛
- توسعه اندیشه‌ها و پارک‌های علم و فناوری به‌منظور هدایت دانشجویان برای انتخاب موضوع مناسب؛
- انتخاب دانشجویان برای مسئله پژوهشی خود با مشورت از شورای عالی آموزش و پرورش و پژوهشگاه تعلیم و تربیت؛
- برگزاری جلسات بین رؤسای دانشکده‌های علوم تربیتی و شورای عالی آموزش و پرورش به‌صورت فصلی تا بتوان با تعامل با یکدیگر مسئله را شناسایی کرد و به‌صورت هدفمند کار پژوهشی را انجام داد؛
- هماهنگ بودن دانشگاه‌هایی که دوره دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دارند، برای طراحی برنامه‌های درسی و سرفصل‌ها با یکدیگر.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadi Gol, J., & Sangari, M. (2017). Subjective and methodological evaluation of master's theses in educational technology. *Higher Education Letter, New Term*, 10(40), 207-167.
- Ahmadi, P. (2009). Studying the degree of overlap between the titles of theses in the curriculum field and the topics discussed in the field based on Beauchamp's theory at the University of Tehran. *Higher Education Letter*, 1(3), 105-126.
- Ayhn, A. (2011). Evaluation of doctoral theses on Educational administration in turkey and abroad, in terms of subjects, Methods and Result. *Journal of Educational Research*, 11(42), 1-13. https://www.researchgate.net/profile/Senguel-Uysal/publication/283569055_Evaluation_of_Doctoral_Theses_on_Educational_Administration_in_Turkey_and_Abroad_in_Terms_of_Subjects_Methods_and_Results/links/563f8caf08ae8d65c0150eb8/Evaluation-of-Doctoral-Theses-on-Educational-Administration-in-Turkey-and-Abroad-in-Terms-of-Subjects-Methods-and-Results.pdf
- Azaranfar, J. (2006). Content analysis of theses in the field of library and information science from 1373-1383 available in the Iranian Institute of Information and Scientific Documents. *Journal of Information Science and Technology*, 21(4), 19-39. https://jipm.irandoc.ac.ir/article_698586.html?lang=en
- Beheshti Moez, H. (2010). *Comparative study of the curriculum of the field of philosophy of education in higher education in Iran, England and the United States*. Master's thesis, field of history and philosophy of education [Al-Zahra University].
- Danivi, F., Makkizadeh, F., Afrasiabi, H., Asadnia, A., & Falakodin, Z. (2024). Individual-organizational construction of research from the opinions of faculty members. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*.
- Dirlikli, M., Aydm, K., & Akgun, L. (2016). Cooperative learning in Turkey: A content analysis of theses. *Educational Sciences, Theory & Practice*, 1251-1273. www.estp.com.tr
- Durak, G., & et al. (2017). Trends in distance education: A content analysis of master's thesis. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 16(1), 203-218. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1124887>
- Firoozabadi, S. A., Piri, S., Hosseini, S. R., & Salmanavandi, S. (2013). Social Sciences. *Journal of Local Development (Rural-Urban)*, 5(1), 67-88.
- Ghanbari, A. (2006). *Biography and scientific and cultural services of Dr. Ali Mohammad Kardan*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Godarzi, H., & Sahafi, M. (2010). A study of the status of qualitative indicators of the best religious theses in Iran. *Journal of Cultural and Social Studies*, 75-96.
- Gorji, H., Rahmanpour, S., Mohaghegh, N., & Hosseini, F. (2008). Thematic Orientation of the Theses of the Faculty of Medical Management and Informatics in 2007-2008. *Quarterly Journal of Health Management*, 33(11), 23-32.
- Hooman, H. (2013). *Understanding the Scientific Method in Behavioral Sciences*. Samt Publications.
- Khaki, G. (2012). *Research Methodology with a Dissertation Writing Approach*. Tehran, Kohsar Publishing House.
- Khoshnam, M., & Jozi, Z. (2022). Drawing the scientific structure of doctoral theses and research projects of activists of the science institution. *Research in University Library and Information*, 54(4), 65-88.
- Khosravi, M., Nili, M., & Zamani, A. (2015). Pathology of the incompatibility of the topics of the Master's thesis in educational sciences with the needs of society. Presented at the Third International Conference on Psychology and Social Sciences.
- Kiani, M. (2009). *Explanation of the main methodological approaches of research in philosophy of education and description of the methodology of doctoral dissertations in 1996-2006*. Master's Thesis, Department of History and Philosophy of Education

- Maghfouri Farsangi, M., Keshavarz, S., Salehi, A., & Musapour, N. (2011). Nativeism in doctoral theses in the philosophy of education: A survey of public universities in Tehran. *Journal of Epistemological Studies*, 25, 74-96.
- Malaki, H., Tabarfirouzjaei, M., & Ghasem Tabar, S. N. (2011). Content analysis of student theses in the postgraduate course of curriculum planning at Allameh Tabatabaee, Shahid Beheshti, and Tarbiat Modares universities from 2009-2010. *Quarterly Journal of Curriculum Planning Studies in Higher Education*, 4(2), 85-108.
- Momeni Rada, A., Aliabadi, K., Ferdanesh, E., & Mazini, N. (2013). Qualitative content analysis in the research process: Nature, stages, and validity of results. *Quarterly Journal of Educational Measurement*(14), 187-221. https://jem.atu.ac.ir/article_92_en.html
- Naqibzadeh, M. (2010). *A look at the philosophy of education*. Tehran: Tahouri Publications.
- Neller, J. (1998). *Introduction to the Philosophy of Education Translators: F. Dilmaghani*. Tehran: Samt Publications.
- Niksirt, M., & Badri, A. (2012). Investigating the relationship between scientific research and the needs of Iranian rural society with emphasis on theses and dissertations of students in geography and rural planning. *Scientific Research Journal of Geography and Planning*, 18(50), 333-363.
- Nobakht, Y. (2019). Scientometric study of treatises on Islamic economics in Iran. *Caspian Science Journal*, 7(2), 54-63. <https://cjs.mubabol.ac.ir/article-1-219-en.pdf>
- Olomi, T. (1999). Evaluation of Master's theses in Library and Information Science at Tarbiat Modares University, Tehran, and Iran's Medical Sciences University (1986-1994). *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 6(1).
- Ozman, E., & Kravar, S. (2000). *Philosophical foundations of education Translators: G. Mottaghifar, E. Hosseinkhani, A. Zarabi, M. Mousavinasab, H. Razzaghi*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Papazadeh, M., Hashemi, J., & Velvi, P. (2015). Content analysis of master's and doctoral theses in the field of history and philosophy of education at Shahid Chamran University in terms of the application of Peter Fasione's critical thinking components. *Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz*, 101, 147-172.
- Rahimi, S., & Rezaee, B. (2008). Content Analysis of the Theses of the Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran from the Beginning to 2007. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 38(3), 1-21.
- Ranjbari Soufian, V., Atapour, H., & Najari, T. (2023). Analysis of thematic and methodological content of theses and dissertations of postgraduate studies in the field of educational sciences at the University of Tabriz between 1997 and 2016. *Perspectives on Curriculum and Education*, 2(3), Fall.
- Research Institute of the, S., & University. (2000). *Philosophy of Education* (Vol. Vol. 1). Samt Publications.
- Sajadi, M., & Noorabadi, S. (2010). Explanation and analysis of the nature and interdisciplinary function of the philosophy of education. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 2(2), 19-41. https://www.isih.ir/article_57_en.html
- Sarlak, M. (2018). Identification and classification of topics of doctoral theses of public universities in the field of public administration during the period 2011 to 2017 based on the three-pronged model. *Management of Public Organizations*, 7(1), Winter 2018-2025. https://ipom.journals.pnu.ac.ir/article_5537.html?lang=en
- Shaabani Varki, B., & Mohammadi Abaki, R. (2008). *History of philosophy of education in Iran*. Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Sohrabi, R., Shamshiri, B., Khoshbakht, F., & Salimi, G. (2022). An investigation into doctoral theses in the field of philosophy of education at Shiraz University. *Journal of Modern Educational Approaches*.
- Tabrizi, M. (2014). Qualitative analysis from the perspective of deductive and inductive approaches. *Quarterly Journal of Social Sciences*(64), 105-138.
- Taqvaei Yazdi, M., & Hosseini Tabaqdehi, L. (2014). Quantitative and qualitative evaluation of doctoral dissertations in education in Mazandaran province. *Quarterly Journal of a New Approach to Educational Sciences*, 4(4), 113-127. https://journal.iocv.ir/article_153790_en.html
- Tarkashvand, F. (2015). *Pathology of doctoral dissertations in educational management Master's thesis Al-Zahra University*].
- Unrau, Y. A., & Beck, A. R. (2004). Increasing research self-efficacy among students in professional academic programs. *Innovative Higher Education*, 28(3), 178-204. <https://doi.org/10.1023/B:IHIE.0000015107.51904.95>
- Zamani, A., & Pouratashi, M. (2024). Efficiency and effectiveness of theses and dissertations in the field of higher education in solving higher education issues and responding to national needs: Obstacles and solutions. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(4), 81-102. <https://doi.org/10.61838/KMAN.IRPHE.30.4.5>
- Zamaniyan, I., Yousefzadeh Choosari, M., & Khakbaz, A. S. (2023). Analyzing the components of university social responsibility in the comprehensive scientific map of the country: A mixed study. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(3), 17-36. <https://doi.org/10.61838/irphe.29.3.2>
- Zhang, J., Zhao, Y., & Wang, Y. (2016). A study on statistical methods used in six journals of library and information science. *Emerald: Online Information Review*, 40(3), 416-434. <https://doi.org/10.1108/OIR-07-2015-0247>